

## یاد رفیق رضا قریشی لنگرودی گرامی باد

قلبم را بر تیرکی آویختند  
بر شانه های مجروح وطنم  
جراحی دیگر وارد آوردند  
دخترم آنگاه که از کنارم می گذری  
آهسته برو, زیرا که با تو سخنی دیگر دارم  
سخنی دیگر !!!



تاریخ و محل تولد: ۱۳۲۷ شهسوار  
شغل: دانشجو  
وضعیت خانوادگی: متاهل و یک دختر  
نام پدر: میر نقی  
تاریخ دستگیری: ۱۳۶۲  
محل دستگیری: تهران  
وابستگی سازمانی: رزمندگان  
تاریخ اعدام: ۹ شهریور ۱۳۶۷  
زندان گوهردشت

برای آنان که عشق شان زندگی است ....  
و نه آن دیگری که می سازند  
دشمنه  
برای جگرشان  
زندان  
برای پیکرشان  
رشته  
برای گردن شان  
-----

رضا در مراسم چند نفره روز اول ماه مه در بند ۱۳ زندان گوهر دشت در سال ۱۳۶۷ برای آخرین بار شرکت فعال داشت. بعد از چند ماه از همین بند بود که او با پای برهنه برای قفتن به دادگاه به صف شد. بند ملی کشته‌ها (کسانی که حکمشان تمام شده بود ولی ازاد نشده بودند) در بالای بند ۱۳ بود و همه اطلاعات زندان لحظه به لحظه مبادله میشد بطوریکه همه ما در جریان اعدامها بودیم. رضا در صف رو بمن کرد و گفت: همه ما را میزنند و این را مطمئن بود. او جزو اولین گروه اعدامیها در این روز بود. یک روز در اوین وقتی از ملاقات برگشت تعریف میکرد: کسی که بچه نداشته باشد نمیتواند احساس مرا درک کند. او میگفت در ملاقات رابطه ای عمیق بین من و دخترم در نگاهها رد و بدل میشود که توصیف کردنی نیست..... یادش گرمی باد

-----

پاسخ همیشگی حاکمیت های سرکوبگر دو نظام سلطنتی و دیکتاتوری اسلامی، به مبارزات مردم علیه ظلم، تباهی و بی عدالتی در کشور ما، زندان، شکنجه، کشتار و اعدام بوده و به عنوان بخشی از تاریخ و زندگی ما باید ثبت گردد و به آیندگان سپرده شود.

رضا یکی از جانب‌اختگان شهریور سال ۶۷ میباشد. او قبل از اعدام شعری را برای تنها دختر خردسالش میسراید:

قلبم را بر تیرکی آویختند

بر شانه های مجروح وطنم

جراحی دیگر وارد آوردند

دخترم آنگاه که از کنارم می گذری

آهسته برو، زیرا که با تو سخنی دیگر دارم

سخنی دیگر !!!

هیچ شماره قبری به خانواده رضا داده نشد. خفاشان رژیم جمهوری اسلامی، رضا را نیز در گورهای دسته جمعی در خاوران چون دیگر جانب‌اختگان تابستان ۶۷ به خاک سپردند تا سند جنایات بی‌شمارشان را تکمیل نمایند.

یادش گرمی باد!

نابود باد حاکمیت سرکوبگر سرمایه

زنده باد مبارزات توده ای مردم

برقرار باد سوسیالیسم

-----

## اشاره ای به بند ۱۳ گوهر دشت در سال ۱۳۶۷

بند ۱۳ گوهر دشت در سال ۱۳۶۷ بندی نبود که صنعت تسبیح سازی در آن رواج داشته باشد چرا که وقتی برای اینکار نمانده بود و همه گرایشات مختلف مشغول مبارزه ایندولوزیک در باره مرحله انقلاب و گرایشات انقلابی و ضد انقلابی بودند.

این مبارزه بین گرایش انقلاب سوسیالیستی و انقلاب دمکراتیک در جریان بود و داشت به درک مشترک نزدیک میشد.

افراد هرچند از گرایشات مختلف بودند ولی به مرحله ای از رشد فکری رسیده بودند که در تضاد با تفکر حاکم بر جریانشان بود.

افرادی مثل علی از جریان کشتگر، حمید و رضا از اقلیت، جعفر و و صادق از راه کارگر، حجت و اسماعیل از پیکار و رضا از رزمندگان

این مجموعه در سالن سه اوین کار ایدئولوژیک میکردند و روی کتابهایی مثل ایدئولوژی المانی مارکس کار میکردند و بعد از منتقل شدن به بند ۱۳ گوهر دشت کتاب را ریز نویس کرده و با خود به بند ۱۳ آورده و تکثیر کرده بودند.

در سالن سه اوین رابطه نزدیکتری بین گرایش انقلاب سوسیالیستی رزمندگان و پیکار برقرار بود و کسانی مثل منصور و رضا از رزمندگان و عباس رئیسی و حجت و اسماعیل از پیکار در آن شرکت فعال داشتند..

بند ۱۳ گوهر دشت در سال ۱۳۶۷ یکی از فعال ترین بندها در زمینه تئوری و مبارزه ایدئولوژیک در زندان بود.

شاید بهمین خاطر بود که بیشترین اعدامیها را این بند تشکیل میداد.